

The Necessity of Aiding the Poor from a Moral and Islamic Point of View Considering the Environmental Crises of the Last Century

Seyed Ahmead Fazli*, Seyedeh Fatemeh zehra Mohri Adaryani**

Abstract

At first, "helping" people, especially the poor and hungry, is considered obvious and desirable in the eyes of the general public. But with a closer look at this issue, challenges and complexities gradually appear, forcing researchers in different fields to pay more attention. One of those issues is the issue of population growth and its impact on the environment. In the meantime, considering that generally the poorest countries are among the most populated, the question is raised once again that considering the current state of the planet, is it a moral necessity to help them and ensure the survival of all people in these countries? Does this mean that helping them is an inviolable responsibility and on the shoulders of the individual human beings? In this article, while examining the opinion of the opponents of aid, we have addressed this issue from two moral (with a utilitarian approach) and Islamic (according to the moral views of Islam and Shia jurisprudence) perspectives and came to the conclusion that although the challenge raised from the issues It is important in our era, but what should be paid attention to is changing the methods of support and assistance and not erasing the problem, which means not helping the poor and leaving them in suffering and hardship.

Keyword

Obligation to help, population increase crisis, environment, moral utilitarianism, Islam.



* Associate Professor of the Department of Moral Philosophy, University of Qom. Iran. ahmad.fazeli@gmail.com

** Graduated from Qom University of Moral Philosophy (Responsible Author). Mohri.adaryani@gmail.com



الزامی بودن کمک به فقرا از منظر اخلاقی و اسلامی با توجه به بحران‌های زیست محیطی قرن اخیر

سیداحمد فاضلی*، سیده فاطمه زهرا مهری آدریانی**

چکیده

در بدو امر، «کمک کردن» به انسان‌ها، مخصوصاً به فقرا و گرسنگان، در نظر عموم امری بدیهی و مطلوب تلقی می‌شود. اما با نگاه دقیق‌تر به این موضوع، رفته رفته مسائل و پیچیدگی‌هایی به صحنه می‌آیند که پژوهشگران را در عرصه‌های مختلف، مجبور به مذاقه بیشتر می‌کنند. یکی از آن موضوعات، مسئله افزایش جمعیت و تأثیر آن بر محیط زیست است. در این میان با توجه به اینکه عموماً فقیرترین کشورها از پرجمعیت‌ترین‌ها هستند، بار دیگر این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به وضعیت فعلی کره زمین، آیا کمک کردن به آن‌ها و تضمین بقای تمام افراد در این کشورها ضرورتی اخلاقی است (به این معنا که امداد آن‌ها مسئولیتی تخطی‌ناپذیر و به گردن فرد انسان‌هاست)؟ ما در این مقاله، ضمن بررسی نظر مخالفان کمک، از دو منظر

* استادیار گروه فلسفه اخلاق دانشگاه قم، ایران.

ahmad.fazeli@gmail.com

** دانش آموخته رشته فلسفه اخلاق دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول).

Mohri.adaryani@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱



اخلاقی (با رویکردی فایده‌گرایانه) و اسلامی (با توجه به دیدگاه‌های اخلاقی اسلام و آراء فقهی شیعی) به این موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیدیم که اگرچه مسئله مطرح شده از مسائل مهم عصر ماست، اما امری که باید به آن توجه شود تغییر شیوه‌های پشتیبانی و استعانت است، نه پاک کردن صورت مسئله به معنای کمک نکردن به فقرا و رها کردن آن‌ها در رنج و سختی.

کلیدواژه‌ها

الزام بر کمک، بحران افزایش جمعیت، محیط‌زیست، فایده‌گرایی اخلاقی، اسلام.

مقدمه

بنا بر تخمین سازمان ملل، در حالی که ۱۸۰۰ سال طول کشید تا جمعیت جهان به یک میلیارد برسد، این جمعیت، طی ۱۳۰ سال (۱۹۳۰) به دو میلیارد و طی سی سال (۱۹۶۰) به سه میلیارد رسید. سپس در بازه زمانی پانزده سال (۱۹۷۴) جمعیت جهان به چهار میلیارد و تنها در سیزده سال (۱۹۸۷) به پنج میلیارد رسید. با این حساب می‌توان گفت تنها در قرن بیستم، جمعیت جهان از ۶۵۰.۱ میلیارد، به شش میلیارد افزایش یافته است (در سال ۱۹۷۰، تنها حدود نیمی از جمعیت فعلی جهان وجود داشتند).

متراکم‌ترین مناطق جمعیتی جهان، بر اساس کیلومتر مربع، آسیا و آفریقا هستند. در این بین، رتبه اول متعلق به چین و رتبه دوم از آن هند است. کشورهای آفریقایی همچون نیجریه، اتیوپی، مصر و جمهوری کنگو، به ترتیب رتبه‌های ششم، دوازدهم، چهاردهم و شانزدهم را دارند (www.worldometers). به بیان دیگر، از میان بیست کشور پرجمعیت جهان، شانزده کشور در آسیا و آفریقا قرار دارند که اغلب گرفتار فقر و فساد اقتصادی هستند.^۱

۱. بیست کشور پرجمعیت دنیا به ترتیب عبارت‌اند از: چین، هند، ایالات متحده، اندونزی، پاکستان، نیجریه، برزیل، بنگلادش، روسیه، مکزیک، ژاپن، اتیوپی، فیلیپین، مصر، ویتنام، جمهوری کنگو، ایران، ترکیه، آلمان و تایلند. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: <https://www.worldometers.info/world-population/>





اگرچه جمعیت جهان رو به افزایش است و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۸ به ده میلیارد نفر برسد، مساحت کره زمین از ۱۸۰۰ سال پیش تاکنون تغییری نکرده است. از طرف دیگر، تا این لحظه بیش از ۶۵۰ میلیون نفر در سراسر جهان دچار فقر مطلق هستند (www.worldbank.org)؛ به این معنا که در تلاش برای به دست آوردن یک وعده غذای کافی هستند. مسائلی چون امراض همه گیر، امکانات بهداشتی محدود، کمبود آب آشامیدنی و ضعف آموزش از مسائلی هستند که افراد فقیر با آن‌ها مواجه‌اند.

با نگاهی مختصر به آمارهای جهانی می‌توان دید که فقیرترین کشورها در پرجمعیت‌ترین قاره‌های جهان قرار دارند. (www.worldpopulationreview.com).

تراکم فقیرترین مناطق جهان در دهه ۱۹۹۰ از آسیای شرقی به جنوب آسیا و اکنون به زیر صحرای آفریقا منتقل شده است.

پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد گسترش تراکم جغرافیایی فقر شدید، احتمالاً ادامه خواهد یافت. طبق آمارهای بانک جهانی، ۸۷ درصد از فقیرترین مردم جهان حتی در صورت رشد اقتصادی در سال ۲۰۳۰، همچنان در کشورهای جنوب صحرای آفریقا زندگی کنند. (www.worldbank.org).

پژوهشگران حوزه فقر ادعا می‌کنند یکی از علل گسترش فقر در کشورهایی با اقتصاد ناپایدار، رشد مهارناپذیر جمعیت است. در واقع آمارهای ذکر شده به ما نشان می‌دهند کشورهای فقیر با وجود اینکه نمی‌توانند رفاه جمعیت فعلی خود را تأمین کنند، همچنان دارای رشد جمعیت صعودی هستند و این به معنای فشار و فقر بیشتر برای خانواده‌هایی با فرزند بیشتر است.

ناتوانی دولت‌ها در تأمین نیاز فقرا، پای مبحث اخلاقی مهمی را در مباحث عصر حاضر باز کرده است و آن الزام اعطای کمک‌های بین‌المللی دولت‌ها یا خیریه‌های مردم‌نهاد به مردم فقیر این کشورهاست.



با رشد ادبیات جهانی شدن / سازی در قرن اخیر، کاستن از درد و رنج انسان‌ها، برابری حقوق همه آن‌ها فارغ از نژاد یا ملیتشان و برخورداری تمام انسان‌ها از نیازهای اولیه چون بهداشت، سلامت و امنیت به مؤلفه‌های اساسی دوران ما تبدیل و باعث شده توجهی بیش از پیش به مردم نیازمند کشورهای دیگر داشته باشیم و ضرورتی اخلاقی برای کمک به آن‌ها احساس کنیم؛ اما در این بین مسائل اساسی نیز مطرح است.

به بیان دقیق‌تر، از یک طرف، الزامی بودن کمک به فقرا امری است که هم در نحله‌های اخلاقی فایده‌گرا، وظیفه‌گرا و فضیلت‌گرا بسیار مورد توجه است و هم از دیرباز ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام، به آن توجه داشته‌اند.

نظریه پردازان بسیاری به اهمیت و ضرورت کمک به فقرا و ریشه‌کنی فقر در جهان پرداختند. پیترو سینگر، تامس پاگ و آمرتیا سن از جمله نظریه‌پردازانی هستند که هر کدام با زاویه دیدی متفاوت از ضروری بودن کمک برای پایان دادن به فقر سخن گفته‌اند.

در منابع و متون اسلامی نیز فقر به معنی نداری و بدبختی، وابستگی و تلخکامی است^۱ و از آن به «الموت الاکبر»^۲ تعبیر شده و زمینه‌ساز افول اعتقادات دینی و سوق دهنده به سمت کفر و الحاد^۳ به حساب آمده است.

فقر در جهان اسلام، همواره منشأ و مسبب بسیاری از مشکلات و مصائب و از زمینه‌های اصلی مهاجرت، قاچاق، ناامنی و بروز و اشاعه خشونت و در اشکال نو آن «تروریسم» بوده است؛ اما بنا بر روایات متعدد، آزاردهنده‌ترین پیامد فقر، گرسنگی و

۱. امام صادق علیه السلام روایت کردند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اللهم انی اعوذ بک من المسکنة؛ خدایا از تهیدستی (بینوایی و پریشان‌روزی) به تو پناه می‌برم» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۸: ص ۸۰۹). امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «الا و انّ من البلاء الفاقة؛ هشدار که از بلاها و بدبختی‌ها، تهیدستی و نیازمندی است» (حکیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ج ۴۷: ص ۲۷۹).

۲. «الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ» (نهج البلاغة، ح ۱۵۴).

۳. «کاد الفقر ان یکون کفراً» (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۴۴۸).



دسترسی نداشتن به غذای حلال و سودمند است که این امر به تدریج باعث ضعف قوای بدنی و توان جسمی می‌شود.^۱

اما از طرف دیگر برخی از پژوهشگران به جدّ مخالف کمک به فقرا هستند و این کار را نه تنها وظیفه اخلاقی افراد نمی‌دانند، بلکه آن را باعث نابودی زیست‌بوم انسان‌ها و حیوانات و امری با نتایج مخرب و غیراخلاقی تلقی می‌کنند. به زعم آن‌ها کمک به کشورهای فقیر، در نهایت به نابودی کل زمین و از بین رفتن تمام گونه‌های گیاهی و جانوری ختم می‌شود؛ به همین دلیل، ادعا می‌کنند کمک نکردن، اگرچه برای افراد فقیر موقعیت دردناکی را فراهم می‌کند، کمک کردن نیز عواقب دردناکی برای کل جامعه بشری خواهد داشت.

آن‌ها معتقدند کمک کردن به فقرا آن هم در شرایطی که جمعیت جهان روزبه‌روز بیشتر می‌شود، نه تنها اخلاقی نیست، بلکه به علت تسریع در نابودی زمین، امری با پیامدهای غیراخلاقی است؛ از این رو، به جای کمک به فقرا باید با سازکاری بین‌المللی جلوی گسترش جمعیت را گرفت و از کمک به فقرا نیز برای حفظ امنیت کل جهان چشم‌پوشی کرد.

این ادعا و به‌طور کلی، سیاست‌های کنترل جمعیت برای حفظ و بقای محیط‌زیست از مسائلی است که امروزه نگرانی‌های بسیاری ایجاد کرده و به یکی از موضوعات فکری پژوهشگران حوزه علوم انسانی تبدیل شده است.

در این مقاله قصد داریم با بررسی دقیق آرای مخالفان افزایش جمعیت، به‌ویژه در حوزه فقر و کمک به کشورهای فقیر، راه‌حل‌ها و انتقادات اخلاقی و اسلامی وارد بر دیدگاه مخالفان کمک را بررسی کنیم و به این سؤال پاسخ دهیم که آیا

۱. پیامبر ﷺ: «اللهم انی اعوذ بک من الجوع، فانه بس الضجیع؛ خدایا از گرسنگی به تو پناه می‌برم؛ چه آن همبستری است بد و آزاردهنده» (حکیمی و دیگران، ۱۳۹۵، ج ۴۷، ص ۲۸۲).

امام علی علیه السلام: «تعب الناس قلباً من قلت مقدرته؛ دل آزاردهنده‌ترین مردمان کسی است که توانمندی ندارد [تنگدست است]» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۳۶۳).

حقیقتاً کمک به فقرا برای داشتن یک زندگی مطلوب، موجب بیشتر شدن جمعیت آن‌ها و نابودی محیط‌زیست می‌شود؟ و اگر چنین است آیا بهره‌گیری حکومت‌ها از روش‌های کنترل جمعیت برای حفظ زیست‌بوم انسانی اخلاقاً (و در حوزه اسلامی، شرعاً) جایز است؟ آیا مشروط کردن کمک‌های بین‌المللی به اعمال این سیاست‌ها عملی اخلاقی است؟

در این میان، ذکر این نکته ضروری است که مسئله پیش رو از دغدغه‌هایی است که انسان معاصر با آن مواجه است و بنابراین، نمی‌توان انتظار داشت در منابع اصلی اسلام (آیات و روایات) پاسخ مستقیمی درباره آن (چنان‌که در رویکردهای اخلاق غربی هست) پیدا کرد.

لذا برای استنباط این موضوع، باید به بررسی کلیدواژه‌هایی چون فقر، کنترل موالید، ضرورت انفاق، حکمرانی اسلامی و جایگاه محیط‌زیست در اسلام پرداخت و با توجه به آن‌ها پاسخی درخور برای این مسئله یافت.

با توجه به دشواری یافتن پاسخ برای این مسئله در اسلام، شاید سؤال شود اصلاً چه ضرورتی دارد از میان شمار زیاد رویکردهای منتقد، به بررسی دیدگاه اسلام پردازیم؟ نکته اینجاست که از قضا بخش زیادی از کشورهای پرجمعیت و فقیر جهان، بخش قابل توجهی از مسلمانان جهان را در خود جای داده‌اند.

کشورهای اندونزی، پاکستان، هند، بنگلادش، نیجریه، مصر، ایران، ترکیه، الجزایر و سودان بیشترین جمعیت مسلمان را دارند. در این میان متراکم‌ترین جمعیت مسلمانان به نسبت جمعیت کشور را نیز در کشورهای مالدیو، موریتانی، سومالی، تونس، افغانستان، الجزایر، ایران، یمن، مراکش و نیجریه می‌توان یافت (www.worldpopulationreview.com).

این در حالی است که سومالی دومین، افغانستان ششمین و نیجریه نهمین رتبه را در میان ده کشور فقیر دنیا دارند و دیگر کشورها مانند هند، یمن، مالدیو و موریتانی





نیز با توجه به میانگین افزایش جمعیت سالانه‌شان وضعیت اقتصادی متزلزلی دارند (www.worldpopulationreview.com).

بنابراین، به نظر می‌رسد برای مسلمانان، بررسی دیدگاه اسلام درباره کمک به برادران دینی گرفتار در فقر از نظر اخلاقی و فقهی اهمیت ویژه‌ای خواهد داشت؛ مخصوصاً در شرایطی که پژوهش‌های بسیاری رابطه معنی‌داری را میان رشد بی‌رویه جمعیت و فقر، تخریب محیط‌زیست و نابودی زمین در درازمدت نشان می‌دهند.

نکته دیگر اینکه با توجه به هم‌پوشانی‌ای که میان الزامات اخلاقی و شرعی در ادیان مختلف، به‌ویژه در اسلام، وجود دارد و همچنین توجه ویژه مسلمانان به آراء فقهی در حل مسائل اخلاق کاربردی، اگرچه قصد ما بررسی دیدگاه‌های اخلاقی اسلام است، چاره‌ای نیست جز اینکه نگاهی به بایدها و نبایدهای فقهی داشته باشیم و نظر فقها را نیز در این زمینه بررسی کنیم.

کمک کردن به مثابه نابودی زمین

گرت هاردین و آزمون فکری قایق نجات (Aid does not Work)

گرت هاردین (Garrett James Hardin) (۱۹۱۵-۲۰۰۳) از جمله اولین مخالفان کمک به فقر است که در مقاله «اخلاق قایق نجات: پرونده‌ای علیه کمک به فقیران»^۱ (۱۹۷۷) به این مسئله پرداخته که چگونه کمک کردن به فقرا می‌تواند باعث به‌خطراتادن بقای گونه انسانی شود. اگرچه در واقع، استدلال‌های وی ترکیبی از ادعاهای تجربی و هنجاری است، نکاتی که مطرح کرده، از موانع مهم بر سر راه ضروری دانستن کمک است.

او در مقاله خود با نام «درباره تراژدی منابع عام / مشترک» (tragedy of the commons) یک آزمون فکری طراحی کرد و از مخاطبان خود

1. Lifeboat Ethics: The Case against Helping the Poor



خواست تصور کنند تمام جهان یک اقیانوس بزرگ است و در آن صرفاً یک قایق با ظرفیت شصت نفر وجود دارد.

این قایق تنها مأمّن و آخرین راه بقای انسان‌هاست. در حالی که پنجاه نفر سوار بر قایق هستند، صد نفر نیز در اقیانوس و پیرامون این قایق در حال غرق شدن هستند و به کمک نیاز دارند. از نظر هاردین، تنها سه راه برای افراد درون قایق وجود دارد؛ اولین و به‌زعم عموم افراد، اخلاقی‌ترین راه این است که با ایده اخلاق مسیحی یا با ایده مارکسیستی، در یک قایق با ظرفیت شصت نفر، ۱۵۰ نفر را سوار کنیم و همگی غرق شویم تا عدالت کامل برقرار شود. دومین راه این است که ده نفر ظرفیت باقی‌مانده کشتی را نیز پر کنیم و ایمنی کشتی را به خطر بیندازیم و با یک تغییر آب‌وهوایی ساده یا با شیوع یک بیماری جدید، کل سر نشینان را از بین ببریم. اما سومین راه و تنها راه معقول از نظر هاردین، رها کردن آن صد نفر در دریا و حفظ جان پنجاه نفر سوار بر قایق است.

او اگرچه اقرار می‌کند راه آخر به‌وضوح برای بیشتر افراد، از نظر اخلاقی، پذیرفتنی نیست، به آن‌ها توصیه می‌کند اگر سوار بر قایق هستید، می‌توانید پیاده شوید و جای خود را به دیگران بسپارید؛ شما نمی‌توانید قاعده جهان را تغییر دهید (Hardin, 1968).

هاردین همچنین به‌عنوان یک بوم‌شناس، سیاست‌های حامی افزایش مهاجرت را نیز مخرب و آسیب‌زا می‌داند و به مردم کشورهای مرفه هشدار می‌دهد که این فرایند در درازمدت به ضرر آن‌ها تمام خواهد شد. او با صراحت، عقیده خود را درباره سیاست‌های مهاجرتی چنین بیان می‌داشت:

«موضع من این است که ایده یک جامعه چندملیتی فاجعه‌ای بیش نیست. این همان چیزی است که ما در اروپای مرکزی و آفریقای مرکزی به دست آورده‌ایم. جامعه چندملیتی جنون است و به نظر من، باید مهاجرت را به همین دلیل محدود کنیم»

(Hardin, 1997).



به‌طور کلی، ایده «نه به کمک‌های فراملیتی»^۱، از گذشته تاکنون حول دو محور اساسی می‌چرخد: ۱. کمک‌ها باعث افزایش بی‌رویه جمعیت می‌شوند و ۲. کمک‌ها (چه به صورت مالی و چه به صورت توزیع کالا و تجهیزات) عامل افزایش فساد و تن‌پروری در کشورهای نیازمند و در نتیجه، هر دو باعث تخریب محیط‌زیست می‌شوند. گرت هاردین، به‌عنوان پدر این جریان، در هر دو محور استدلال‌هایی کرده که دیگر گروه‌ها نیز آن را تأیید و برای تقویت آن پژوهش‌های بسیاری انجام داده‌اند.

محور اول: کمک‌ها باعث افزایش بی‌رویه جمعیت می‌شوند

جهان کنونی ما در یک دسته‌بندی کلی، به دو گروه ملل ثروتمند و فقیر تقسیم می‌شود. ذیل هر کدام از این دو گروه، طیف وسیعی از کشورها قرار می‌گیرند که نه بسیار فقیر هستند و نه بسیار ثروتمند؛ اما تسامحاً فرض می‌کنیم کشورهایی که برای توسعه خود به کمک نیاز ندارند، از ملل ثروتمند به حساب می‌آیند و کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته در دسته ملل فقیر هستند. در این صورت، می‌توان دید که دوسوم مردم در دسته ملل فقیر و تنها یک‌سوم آن‌ها در دسته ملل ثروتمند قرار دارند.

به بیان دیگر، بر اساس تمثیل قایق نجات، اگر هر کدام از کشورهای ثروتمند را یک قایق نجات در نظر بگیریم، فقیران یا می‌خواهند وارد این قایق‌ها شوند یا حداقل بخشی از ثروت افراد داخل قایق را مطالبه می‌کنند.

در صورتی که هر قایق ظرفیت محدودی برای حمایت از جمعیت درون خود دارد و مخاطراتی همچون بحران انرژی و منابع محدود نیز به ما نشان داده است که ما از برخی وجوه تا به اینجا هم بیش از حد از قایق‌ها (ظرفیت زیستی هر کشور) بهره برده‌ایم (Hardin, 1974).

1. Not To Transnational Aid

اخلاق حاکم بر قایق نجات، زمانی درستی خود را بیشتر به رخ می کشد که تفاوت تولیدمثل را بین ملت‌های ثروتمند و ملت‌های فقیر در نظر بگیریم. هاردین با توجه به آمارهایی که تا آن موقع از وضعیت رشد جمعیت در جهان وجود داشت، در سال ۱۹۷۴ مقاله دیگری نوشت و در آن به پیش‌بینی جمعیت جهان بر اساس آمارهای موجود پرداخت؛ او نتیجه گرفت جمعیت کشورهای چون کلمبیا، اکوادور، ونزوئلا، مراکش، پاکستان، تایلند و فیلیپین با سرعت ۳/۳ درصد در سال در حال افزایش است و در بازه زمانی تقریباً ۲۱ سال دو برابر خواهد شد؛ اما همین میزان جمعیت در ایالات متحده برای دو برابر شدن به ۸۷ سال زمان نیاز دارد. حال اگر فرض کنیم ایالات متحده موافقت کند منابع خود را با این هفت کشور شریک شود و همه سهم مساوی دریافت کنند، هر آمریکایی مجبور است منابع موجود را با بیش از هشت نفر به اشتراک بگذارد (Ibid). این چیزی است که هاردین با عنوان «فاجعه انبازه‌ها یا تراژدی منابع مشترک»^۱ نگران آن بود.

محور دوم: کمک‌ها باعث افزایش فساد و تن‌پروری می‌شوند

ایده «بانک جهانی غذا»^۲ و «انقلاب سبز»^۳ دو نمونه از تصمیمات بشردوستانه‌ای هستند که جامعه جهانی برای تشکیل و حفظ آن بسیار تلاش کرد؛ دو ایده‌ای که به نظر هاردین و پیروانش برخلاف ظاهر فریبنده‌شان اتفاقاً باعث می‌شوند به فقرا، کشورهایشان و در نهایت جهان، بیشتر آسیب برسد.

1. The Tragedy of the Commons. See: Schmidtz, David, and Elizabeth Willott. "The Tragedy of the Commons". In *A Companion to Applied Ethics*, edited by R. G. Frey and Christopher Heath Wellman, 662–73. Oxford, UK: Blackwell Publishing Ltd, 2005. <https://doi.org/10.1002/9780470996621.ch49>.

۲. بانک جهانی غذا (The World Food Bank)، یک ذخیره بین‌المللی است که در آن ملت‌ها، با توجه به توانایی‌هایشان مبلغی را ذخیره و بر اساس نیازهای خود از آن استفاده می‌کنند.

۳. انقلاب سبز (Green Revolution) یا سومین انقلاب کشاورزی، مجموعه‌ای از ابتکارات انتقال فناوری و تحقیقاتی است که بین سال‌های ۱۹۶۵ تا اواخر دهه ۱۹۹۰ رخ داد و باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی در بخش‌های فقیرنشین جهان و ایجاد انواع باکیفیت غلات (به‌ویژه گندم و برنج) شد.





در طرح موسوم به بانک جهانی غذا علاوه بر سود بی کرانی که در جیب تمام افراد و گروه‌های دخیل در تولید، انبار و ارسال غذا، در کشورهای مبدأ، سرازیر می‌شود^۱، اساساً با این پرسش بنیادی سروکار داریم که چرا برخی از کشورها باید ذخیره کنند و برخی دیگر با عنوان «اضطراری بودن شرایط» یا «بحران فعلی» صرفاً بهره ببرند؟ مگر نه اینکه هر کشوری خود باید مسئول جمع‌آوری آذوقه برای روزهای سختش باشد؟

اگر کشورهای ثروتمند با ایده‌های به‌ظاهر خیرخواهانه‌شان همواره در حال تأمین مایحتاج کشورهای بحران‌زده نبودند، شاید افراد فقیر می‌توانستند با فشار آوردن به ساختار ناکارآمد و فاسد کشور خود، زودتر به اصلاحات اساسی دست بزنند و کشورشان را برای بحران‌های بعدی آماده کنند.

در واقع، بانک جهانی غذا، هم باعث بی‌مسئولیتی بیشتر حاکمان کشورهای فقیر شده و هم موجب می‌شود مردم با خیال راحت از داشتن حداقل غذا حتی در بحرانی‌ترین شرایط از زادوولد بیش از حد دست بردارند و آینده‌ای دردناک‌تر برای نسل بعد از خود بسازند؛ اگرچه تأثیر این زادوولد بی‌رویه تا وقتی کشورهای ثروتمند هنوز آذوقه‌ای برای کمک و خیرات داشته باشند، برای آن‌ها ملموس نیست. در این میان، فقط محیط‌زیست نابود می‌شود (Hardin, 1974).

بنابراین، اگرچه ایده بانک جهانی غذا در کوتاه‌مدت ممکن است نیاز به غذا را کاهش دهد، در طولانی‌مدت، این نیاز را بدون محدودیت افزایش می‌دهد. ما با داشتن یک ساختار مشترک خیرخواهانه، مانند بانک جهانی غذا، اختلاف رشد بین کشورهای ثروتمند و فقیر را نه تنها کاهش نمی‌دهیم، بلکه مدام به افزایش آن کمک می‌کنیم.

۱. برای اینکه بدانید چگونه ایده بانک جهانی غذا میلیاردها دلار، مالیات مردم کشورهای ثروتمند را به خود اختصاص

داد و در ادامه، برای حیات خود به یک بروکراسی گسترده نیاز پیدا کرد و به صنعتی پول‌ساز تبدیل شد، ر.ک:

Forbes report, "feeding the world's hungry millions: how it will mean billions for U.S. business" March 1, 1966, cited by Arthur and Paul Simon, the politics of world hunger (New York: Harper's Magazine press, 1973). 19.



با این حساب، ایده انقلاب سبز (با توجه به اینکه باعث می‌شود کشورهای فقیر بعد از تجهیز شدن از سوی کشورهای ثروتمند، خودشان به تولید محصول دست بزنند و رفته‌رفته کمبودهای غذایی‌شان را رفع کنند)، از نظر هاردین باید به‌مثابه یک طرح مناسب تلقی شود؛ اما او این طرح را نیز قابل قبول نمی‌داند و برای ادعای خود مبنی بر مخرب بودن این طرح، کشوری مانند هند را مثال می‌زند. فرض کنید قرار باشد با این طرح، تمام جمعیت هند را در وضعیت غذایی مطلوبی قرار بدهیم؛ این یعنی تهیه غذا برای بیش از یک میلیارد نفر در زمین‌های زراعی با پیش‌روی در جنگل‌ها و از بین بردن زیست‌بوم طبیعی هند.

در مجموع هاردین و پیروانش معتقدند هر ایده‌ای که بر پایه کمک‌های خارجی طرح‌ریزی شود باعث خرابی بیشتر می‌شود؛ چراکه هر ساختار «اشتراک‌گذاری» که به معنای کمک خارجی از سوی کشورهای ثروتمند به ملت‌های فقیر باشد، خلوص و خیرخواهی را در پی دارد که اتفاقاً کمک‌چندانی به صلح جهانی نخواهد کرد.

نقد و تحلیل آراء مخالفان کمک

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان جدی‌ترین نگرانی مخالفان کمک را مسئله رشد بی‌رویه جمعیت، کمبود منابع زمین و ایجاد فساد و تبلی بیشتر در کشورهای فقیر دانست. مسائلی که باعث می‌شود آن‌ها بر اساس سیاست «تریاز»^۱، کمک‌های خارجی را فقط برای کشورهایی مناسب بدانند که ممکن است با استفاده از آن بتوانند تفاوت مشخصی در توازن غذا و جمعیت خود ایجاد کنند

۱. تریاز (Triage) اصطلاحی برگرفته از سیاست‌های پزشکی در زمان جنگ است که در آن به‌علت کمبود پزشک برای رسیدگی به همه مجروحان، صرفاً به آن‌هایی رسیدگی می‌شود که با اقدامات درمانی می‌توانند زنده بمانند و بهبود یابند. در این میان، افرادی که حتی با وجود کمک قادر به زنده ماندن نباشند یا کسانی که جراحی آن‌ها چندان جدی نباشد، درمان نمی‌شوند.



(singer, 2011, p. 199) همان روشی که به نظر می‌رسد منطق قایق نجات هاردین نیز از آن حمایت کند) و همچنین باعث کاهش فساد در نظام حکومتی شده و چه بسا آن را متوقف می‌کند.

محققان بسیاری از شاخه‌های مختلفی چون روان‌شناسی، علوم سیاسی، اجتماعی، اقتصاد و همچنین از دانش الهیات و اخلاق به مخالفت با آراء هاردین پرداختند. ما در این مقاله ابتدا به بررسی بخشی از مهم‌ترین انتقادات اخلاقی (مخصوصاً با رویکرد فایده‌گرایانه) و پس از آن، الهیاتی (با رویکردی اخلاقی فقهی) بسنده می‌کنیم.

فایده‌گرایان (utilitarianism) و الزام بر کمک به فقرا

در وهله اول، برخی از فیلسوفان اخلاق، مانند پیتر سینگر^۱ استدلال کرده‌اند برای تعریف آنچه از نظر اخلاقی خوب است، معیار ساده و کارآمدی وجود دارد و آن تولید سود (لذت، خوشی، کامیابی، خوشبختی و...) بیشتر و جلوگیری از ایجاد رنج (درد، تیره‌بختی و...) بیشتر برای بیشترین افراد است. با توجه به این معیار، اگر بخواهیم کمک کردن به افراد فقیر کشورهای دیگر را فعل اخلاقی در نظر بگیریم، تنها زمانی موفق خواهیم شد که نشان دهیم کمک به فقرا باعث کاهش رنج عمومی و افزایش سود و خوشبختی خواهد شد. با این حساب، اگر کمک کردن همان گونه که مخالفان ادعا می‌کنند، باعث افزایش شمار گرسنگان در آینده شود، مصداق فعل اخلاقاً درست نخواهد بود. اکنون

۱. پیتر سینگر (Peter Albert David Singer) فیلسوف اخلاق پیامدگرا و هوادار فایده‌گرایی ترجیحی از پیشگامان عطف‌عنان و توجه ویژه به معضل و مسئله الزام اخلاقی در قبال فقر است. او ضمن تأکید بر این نکته که عاملان اخلاقی، وظایف اولی و خاصی در قبال فقرا و ریشه‌کنی فقر دارند، در مقاله‌ای مشهور با نام «قحطی، ثروت و اخلاق»، افزون بر تأمل و تحقیق در این باره، با طرح برخی از آزمون‌های فکری و صورت‌بندی استدلال‌هایی فایده‌گرایانه، در صدد تبیین و توجیه وظایف و مسئولیت اخلاقی ثروتمندان در قبال فقرا برآمده و در این راستا راه‌حل‌هایی نیز ارائه داده است.



منطقی به نظر می‌آید که بپرسیم اساساً تا چه اندازه این پیش‌بینی که کمک، به ایجاد فاجعه‌های بزرگ‌تری در آینده می‌انجامد، درست است. آیا حقیقتاً اگر به کمک کردن ادامه دهیم (بنا بر تمثیل هاردین) تمام قایق غرق خواهد شد؟

سینگر به‌عنوان یکی از متفکران اصلی در حوزه ضرورت کمک به فقرا، به‌طور کلی، عبارت «جمعیت بیش از حد» را یک ادعای بی‌پایه و اساس می‌داند. به‌زعم او، جهان برای تغذیه جمعیت خود غذای کافی تولید می‌کند و طبق برخی از تخمین‌ها می‌تواند چندین برابر وضعیت فعلی نیز تولید کند.

گرسنه‌بودن عده زیادی از مردم در برخی از کشورها، نه به‌علت کمبود منابع زمین، بلکه به‌علت توزیع نابرابر زمین و سیستم سیاسی اقتصادی بین‌المللی است که از منابع به نفع ثروتمندان بهره می‌برد. در واقع، آنچه مانع گذارسازی به تمام انسان‌هاست، اختصاص دادن مقدار زیادی زمین برای تولید غذای دام، تبدیل دانه به سوخت سبز، محصولات غذایی لوکس گلخانه‌ای و... است.

در حقیقت، مقدار زمینی که ما با استفاده از آن صرفاً حیوانات را تغذیه می‌کنیم کافی است تا به تمام جمعیتی که اکنون در فقر شدید زندگی می‌کنند، بیش از دو برابر کالری موردنیازشان غذا برسد (Singer, 2011, p. 199)، این در حالی است که در مقیاس کل جمعیت جهان، تنها بخش کوچکی از مردم از این دام‌ها و فراورده‌هایشان بهره می‌برند. ضمن آنکه به نظر می‌رسد اگرچه جمعیت انسان‌ها به‌ویژه در کشورهای فقیر رو به افزایش است، ظرفیت آن کشورها نیز برای تأمین غذای خود بسیار بیشتر از آن چیزی است که اکنون برداشت می‌کنند (Ibid, p. 201).

به این منظور، امروزه پژوهشگران حوزه کشاورزی و دامپروری برای رفع نگرانی فرسایش زمین در اثر بهره‌برداری بیش از حد و به‌تبع آن، پیشروی به‌سمت جنگل‌ها و مراتع، ایده‌های مؤثری چون اصلاح الگوی کاشت، برنامه‌ریزی و نظارت بر تناوب زراعی، تغییر سیستم آبیاری و اعمال شیوه آبیاری قطره‌ای، استفاده از روش‌های

نوین به جای شخم زدن خاک به شیوه سنتی و مکانیزه کردن دامداری‌های سنتی ارائه کرده‌اند. اجرای این ایده‌ها به صورت گسترده، ضمن حفظ خاک و پوشش‌های گیاهی محلی، به افزایش محصولات کشاورزی نیز کمک چشمگیری می‌کند (Cherlinka, 2022).

از طرف دیگر، باید گفت رشد جمعیت معلول فقر است، نه علت آن. پژوهش‌های بسیاری در حوزه علل افزایش جمعیت در کشورهای فقیر نشان داده زمانی که افراد بسیار فقیر، علاوه بر نداشتن آگاهی، به وسایل نوین پزشکی و بهداشتی برای کاهش باروری دسترسی ندارند، میزان زاد و ولدشان زیاد است؛ اما از آنجا که امکانات حداقلی پزشکی (واکسن، داروهای مؤثر در زایمان، درمانگاه‌ها و ...) در این کشورها وجود دارد، نرخ زیاد مرگ و میر، (به ویژه مرگ و میر نوزادان) کنترل می‌شود.

اگر همان گونه که حداقل‌های پزشکی برای جلوگیری از مرگ و میر نوزادان در این کشورها وجود دارد، خدمات نوین پزشکی برای جلوگیری از بارداری‌های مکرر و آموزش راه‌های جلوگیری از بارداری نیز وجود داشت یا اقدامات مؤثرتری برای تحصیل و اشتغال زنان می‌شد، زوجین به این آگاهی می‌رسیدند که برای داشتن همان تعداد فرزندی که در گذشته به سن بلوغ می‌رسیدند، دیگر نیازی به اقدام برای فرزندآوری بیشتر (به اندازه والدینشان) ندارند (singer, 2011, p. 208).

بنابراین، می‌توان با کمک‌های هدفمند به کشورهای در حال توسعه برای ایجاد تعادل در افزایش جمعیت، بدون استفاده از سیاست تریاژ، جلوی فجایع بزرگی را که مخالفان کمک از آن واژه دارند، گرفت.

با این اوصاف، ما نمی‌توانیم اجازه دهیم میلیون‌ها نفر از گرسنگی و بیماری بمیرند، وقتی احتمال معقولی وجود دارد که بدون چنین وحشت‌هایی بتوانیم رشد جمعیت را مهار کنیم؛ به عبارت دیگر، رشد جمعیت، دلیلی بر مخالفت با کمک





نیست، بلکه دلیلی برای بازنگری در نوع کمک است. این ممکن است به معنای اختصاص دادن منابع بیشتر برای آموزش (به ویژه آموزش زنان) یا ارائه خدمات پیشگیری از بارداری باشد. هر نوع کمک در شرایط خاص می تواند مؤثر واقع شود و این مسئله از میزان تعهد ما در کمک کردن نمی کاهد.

واقعیت این است که نمی توان نبود آگاهی و دسترسی به روش های کنترل جمعیت را تنها علت افزایش موالید در کشورهای فقیر دانست. در واقع، کشورهای زیادی هستند که به دلیل اعتقادات مذهبی یا ملی نه تنها در صورت وجود وسایل پیشگیری از بارداری از آنها استفاده نمی کنند، بلکه کمک کردن به شرط کنترل جمعیت را نوعی تحمیل و دخالت در امور یک ملت مستقل تلقی می کنند.

در جواب، فایده گرایان عنوان می کنند آنچه جایز نیست، تحمیل بدون توجیه است. اگر استدلال ها مبنی بر الزامی بودن کمک صحیح باشد، ما وظیفه داریم فقر شدید را کاهش دهیم؛ در صورتی که باعث ایجاد رنج بیشتر در درازمدت نشود. بنابراین، انسان ها از نظر منطقی، هیچ گونه تعهدی در قبال کمک کردن به کشورهایی که در آنها هیچ چشم اندازی برای کاهش فقر شدید در درازمدت دیده نمی شود، ندارند (singer, 2011, p. 20).

از این رو، در نگاه فایده گرایان، برای کمک به کشوری که سیاست هایی در راستای اثربخشی کمک ندارند، تعهدی وجود نخواهد داشت. این اصل ممکن است حتی درباره مسئله اجازه تحصیل و اشتغال زنان نیز استفاده شود.

از نظر آنها اگرچه این سیاست، سخت گیرانه است، کمک بی حساب به کشورهای غیرمنعطف، باعث برهم خوردن نظم طبیعت و افزایش میزان درد و رنج در طولانی مدت می شود. در این شرایط، کمک نه تنها فعلی اخلاقی نیست، بلکه می تواند غیر اخلاقی نیز جلوه کند.

نگرانی دوم مخالفان کمک های بین المللی درباره تأثیرات کمک بر افزایش فساد در ساختار حاکمیت کشورهای فقیر بود. مخالفان کمک، از مردم فقیر این کشورها



انتظار دارند با فشار آوردن به ساختار فاسد و خودکامه کشورشان، شرایط خود را بهبود ببخشند؛ آن هم با دست خالی و در شرایطی که نیروی نظامی تادندان مسلح، هیچ ابایی از کشتن و زندانی کردن معترضان ندارد. ترس از تن‌پرور شدن مردم فقیر و تنبل دانستن آن‌ها، با وجود اینکه حتی فرزندان خود را برای کار به بیرون از خانه می‌فرستند تا فقط پولی برای غذا خوردن به دست آورند، نشان از درک نادرست و دور از واقعیت مخالفان کمک از شرایط فقرا دارد.

چنانچه فرض کنیم بخشی از فقر کشورهای فقیر ناشی از دولت‌های ناکارآمد و بعضاً فاسد آن‌هاست (که فرض درستی است)، راه‌حل اصلاح این وضعیت در رها کردن آن‌ها در فقر و بدبختی نیست، بلکه مطالعه و تحقیق بیشتر برای یافتن راهی است که بتوان از طریق آن بیشترین کمک را به مردم و کمترین حمایت را از دولت‌هایشان کرد.

امروزه حامیان کمک‌های خارجی معتقدند می‌توان از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO) (نه از طریق دولت‌ها) و همچنین به‌شکل کالا و خدمات (نه وام و کمک‌های پولی)، به مردم فقیر کشورهای با حاکمیت تمامیت‌خواه و غیرپاسخ‌گو کمک کرد و حتی از طریق کمک، آن‌ها را به اصلاح ساختار حاکمیتی و تن‌دادن به سیاست‌های بین‌المللی تشویق کرد. همچنین می‌توان کمک را راهی برای پاداش دادن به سیاست‌های خوب دولت‌های صادق در نظر گرفت (Balls, 1999).

ضروری بودن کمک از نگاه آیات و روایات

اما درباب دیدگاه اسلام درباره کمک به فقرا با توجه به بحران افزایش جمعیت و تخریب محیط‌زیست، همان‌طور که گفته شد، آرا به وضوح رویکردهای غربی نیست؛ از این رو، برای یافتن پاسخی مناسب با روح قرآن و روایات برجامانده از ائمه معصومین باید توأمان از گزاره‌های اخلاقی و فقهی بهره بگیریم.



به طور کلی، دیدگاه اسلام درباره فقر مادی، بسیار بدبینانه است و همواره مسلمانان از فقر برحذر داشته شده‌اند؛ چراکه اسلام فقر را زمینه‌ساز فساد در جامعه و از بین برنده ایمان شخصی انسان‌ها می‌داند. از این رو، همواره مؤمنان به کسب مال از راه‌های شرعی، دوری از مال‌اندوزی و تجمل‌گرایی توصیه شده و از کسب ثروت از راه‌های ربوی و فسادانگیز منع شده‌اند. با وجود این، فقر ناشی از حرص و ولع انسان به دنیا یا کاهلی و تنبلی خود افراد نیز نکوهش و از رذایل اخلاقی شمرده شده است.^۱ همچنین افراد به سعی و تلاش سفارش شده‌اند.^۲ ضمناً در روایات نیز بسیار به کارکردن و سر بار دیگران نبودن توصیه شده و حتی اجر آن برابر با جهاد در راه خدا دانسته شده است.^۳

همچنین اسلام برای کمک به فقرا، این مهم را در قالب کلیدواژه انفاق برای مسلمانان به دقت تبیین و صراحتاً بر آن تأکید کرده است. در قرآن بیش از هفتاد بار از کلمه انفاق استفاده شده و در آیات بسیاری نیز بدون استفاده از این واژه به مضمون انفاق اشاره شده است که نشانه اهمیت والای این فعل نزد پروردگار عالم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۹۶-۹۷).

نکته دیگر اینکه ضرورت کمک به نیازمندان، هم در ساحت شرعی و هم در ساحت اخلاقی، از امور مؤکد اسلام بوده است.

۱. «الشیطان یعدکُم الفقْر»؛ شیطان به شما وعده بینوایی می‌دهد» (بقره: ۲۶۸).

۲. برای نمونه ر.ک: قصص: ۷۳، اعراف: ۱۰ و نجم: ۳۹.

۳. برای نمونه بنگرید به روایاتی چون: «قال رسول الله ﷺ: العبادة سبعون جزءاً أفضلها طلب الحلال» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵: ص ۷۸)؛ «عن رسول الله ﷺ في حديث طويل أنه قال: قال الله تعالى في ليلة المعراج يا أحمد إن العبادة عسرة أجزاء تسعة منها طلب الحلال فإذا طيب مطعمك و مشربك فأنت في حفظي و كنفی» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ص ۲۰)؛ «عن أبي عبد الله ﷺ قال: من لم يستح من طلب المعاش خفت مؤنته و رخی باله و نعم عیاله» (مجلسی، ۱۳۶۸-۱۴۰۳، ج ۱۰: ص ۷)؛ «قال أبو جعفر ﷺ قال موسى ﷺ: يا رب أي عبادك أبغض إليك قال جيفة بالليل بطل بالنهارة» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۳: ص ۱۸۰)؛ «عن مسعدة بن صدقة قال كتب أبو عبد الله ﷺ إلى رجل من أصحابه أما بعد لا تكسل عن معيشتك فتكون كالأعلى غيرك أو قال على أهلك» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۵: ص ۸۶)؛ «موسى بن بكر قال: قال لى أبو الحسن ﷺ من طلب هذا الرزق من حله ليعود به على نفسه و عیاله كان كالمجاهد في سبيل الله عز وجل» (همان، ج ۵: ص ۹۳).

این نکته درخور توجه است که در دین اسلام، علاوه بر توصیه به کمک، مصادیق عینی کمک نیز بیان شده است. این امر باعث می‌شود افراد در میزان کمک و راه‌های انفاق دچار سردگمی و تردید نشوند؛ برای مثال، در زکات که از واجبات مالی است، مسلمانان باید مقدار معینی از ثمن کالا را برای مصرف در زندگی فقرا و دیگر امور عمومی اجتماعی پردازند. این ثمن کالا عبارت‌اند از نقدین (طلا و نقره)، انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) و غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما). مقدار پرداختی هریک از این کالاها متفاوت و در فقه تعیین شده است.

اسلام به این مقدار بسنده نکرده و زمان پرداخت و شرایط پرداخت هریک از اقلام را نیز معین کرده است. همین امر باعث می‌شود سؤالی که همواره در فلسفه اخلاق مطرح بود (با این مضمون که چه اندازه کمک کافی است و تا کی باید کمک کرد؟) منتفی شود؛ چراکه هم میزان کمک معین است و هم انواع آن.

علاوه بر این، ساحات مختلف کمک که از واجب تا حرام دسته‌بندی شده بود، نشان می‌دهد تمام مسلمانان باید همواره بخشی از مال خود را برای کمک به نیازمندان کنار بگذارند و این مسئله مانند نماز خواندن یا روزه گرفتن امری همیشگی است.

از طرف دیگر، کمک کردن بیش از مقدار واجب معین شده، به مثابه امری فراوظیفه (ایثار) تلقی می‌شود که پاداش دنیوی و اخروی خواهد داشت و همین امر، شوق بیشتری در مسلمین برای کمک کردن ایجاد می‌کند.^۱

ضمن آنکه در اسلام کمک کردن تنها به اغنیا اختصاص ندارد و حتی فقرا نیز تا آنجا که می‌توانند، حتی به اندازه بخشیدن نیمی از یک خرما، باید به هم‌نوعان خود

۱. برای نمونه: «عنه عليه السلام: من آثر علی نفسه بالغ فی المؤمنة»؛ «الإمام علی علیه السلام: الإیثارُ أحسنُ الإحسان، وأعلى مراتبِ الإيمان»؛ «عنه علیه السلام: غایة المکارم الإیثار». (محمدری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۱۸-۲۵).





یاری رسانند و البته با این عمل اخلاقی به بالاترین درجات ایمان و اخلاق نیز دست می‌یابند.^۱

افزون بر این، در باور مسلمین هر آنچه در عالم هست، از آن خداوند است^۲ و انسان‌ها حتی هنگام کمک نیز چیزی را که به خواست خدا صاحب آن شده‌اند، به دستور خدا به فرد دیگری می‌بخشند. در واقع، با نگاه قرآنی، کمک کردن، معامله‌ای است میان فرد کمک‌کننده و پروردگار عالم و در واقع، این خداوند است که می‌گیرد و می‌دهد.^۳ زمین و هر آنچه در آن است، روزی خور خدا به حساب می‌آید و چیزی از کل عالم کم یا به آن افزوده نمی‌شود، مگر به اراده او.^۴

بنابراین، به نظر می‌رسد ایده‌هایی چون کمک‌نکردن به فقرا برای حفظ و بقای زمین، در اسلام جایی ندارند و به مثابه بی‌اعتمادی و بی‌ایمانی به قدرت و عاملیت خداوند در نظر گرفته می‌شوند؛ به عبارت دقیق‌تر، زمین و هر آنچه در آن است، در ید خداوند است؛ از این رو، ما حق نداریم به بهانه تخریب زمین که از آن خداوند است، به بندگان گرسنه‌اش بی‌توجه باشیم؛ چرا که این کار چه از منظر شرعی و چه از منظر اخلاقی مذموم است.

با وجود این، بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از افزایش جمعیت انسان‌ها یکی از واقعیت‌های عصر حاضر است. حتی با فرض اینکه خداوند، خالق جهان و حافظ آن است، می‌توان گفت قوانین جهان نیز مخلوق خداوند است و این قوانین به ما نشان می‌دهند شرایط زمین، بحرانی است و باید برای کنترل جمعیت سیاست‌هایی اتخاذ

۱. برای نمونه: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يَجُودُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يوقْ شَحْنُ نَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (حشر: ۹).

۲. برای نمونه: ﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ (حدید: ۵).

۳. برای نمونه: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضاعفه له أضعافًا كثيرةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾ (بقره: ۲۵۴).

۴. برای نمونه: ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعزُّرُ مَنْ تَشَاءُ وَتَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَدُكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (آل عمران: ۲۶).

کرد. همچنین ممکن است این سؤال مطرح شود که اگر خداوند حافظ و ناظر بر همه چیز است، خود او نیز می‌تواند از فقرا مراقبت کند و اگر ضروری بداند به آنها کمک کرده و از شرایط سخت نجاتشان دهد.

اما همان طور که او وظیفه کمک به فقرا را برعهده ما گذاشته است، وظیفه حفظ و مراقبت از زمین و منابع آن را نیز به خود ما سپرده و این امر منافاتی با قدرت و علمش ندارد.^۱ در واقع، قرار نیست پروردگار به‌نحو مستقیم در جهان دخالتی داشته باشد، مگر در شرایطی که ما از آن به‌عنوان «معجزه» یاد می‌کنیم. از طرف دیگر، در اسلام سفارش‌های بسیاری بر پرهیز از تخریب و آلوده‌سازی محیط زیست شده است؛ مانند قطع نکردن درختان، پرهیز از کشتن بی‌دلیل حیوانات و کوشش برای آبادانی. بنابراین، به نظر می‌رسد از نگاه اسلامی نیز مخالفتی با کنترل جمعیت وجود ندارد؛ البته اگر اثبات شود رشد بی‌رویه آن باعث از بین رفتن زیست‌بوم می‌شود و امت اسلامی را ضعیف و نیازمند می‌کند.

کنترل موالید در جوامع اسلامی

به طور کلی، درباره تأیید یا رد هرگونه مداخله در امر تولیدمثل (توسط افراد، دولت‌ها یا قوانین بین‌المللی)، گروهی از مخالفان کنترل جمعیت و مدافعان آن وجود دارند که هر دو با توجه به آیات و روایات، استدلال‌هایی در این زمینه دارند.

گروه اول (مخالفان کنترل جمعیت)، با استناد به آیات متعدد، جلوگیری از زادوولد را به سه دلیل باطل دانسته‌اند؛ اول آنکه ممانعت در فرزندآوری، دخالت در کار خداوند است. خداوند متعال در قرآن کریم آن دسته از افرادی را که از ترس

۱. برای نمونه: ﴿ذَلِكَ يَأْتِيَنَّكَ اللَّهُ لَمْ يَكُ مَعْتَبَرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَيَّ قَوْمٍ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْتُسِيهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (انفال: ۵۳)؛ ﴿لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْيِرُ مَا يُعْمَرُ حَتَّىٰ يَغْيُرُوا مَا بَأْتُسِيهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ (رعد: ۱۱).





فقر، تن به ازدواج یا فرزندآوری نمی دهند، به ایمان داشتن انذار داده و یادآوری می کند روزی دهنده اوست. دسته دیگر آیات، با در نظر گرفتن حد وسط اهمیت گسترش نسل مسلمین^۱، از فرزندان به عنوان «باقیات الصالحات» والدین یاد کرده^۲ و داشتن فرزند زیاد و خانواده پرجمعیت را از نعمات و پاداش های الهی در نظر می گیرند.^۳

علاوه بر آیات، روایات قابل توجهی نیز مبنی بر تأیید فرزندآوری، افزایش جمعیت خانواده^۴ و ناپسند بودن عزل^۵ وجود دارد که همگی نشانه و اماره ای بر عدم جواز سیاست های کنترل جمعیت در جوامع مسلمین است (میرهاشمی و کلهری، ۱۳۹۶، ص ۱۵۷-۱۷۶).

از نگاه این دسته از منتقدان، از آنجا که روزی دهنده خداوند است (به استناد آیاتی که یاد شد)؛ ترک زادوولد به مثابه بی اعتمادی به خداوند و بی ایمانی است. ضمن آنکه افزایش جمعیت مسلمان ها نیز امری ممدوح است و باعث قدرت یافتن آن ها در برابر دشمنان اسلام و تحکیم خانواده و امت مسلمین می شود (نیک کار و امامی نمین، ۱۳۹۶، صص ۳۷۱ و ۳۶۷).

۱. «نَسَأُكُمْ حَوْثٌ لَكُمْ فَاسْتُوا حَزْرَكُمْ اَنْتِي شَيْئًا وَقَدِّمُوا لِانْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا اَنَّكُمْ مَلَائِقَةٌ وَبَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳).

۲. برای نمونه ر.ک: کهف: ۴۶، نوح: ۱۲ و اسراء: ۶.

۳. برای نمونه ر.ک: اعراف: ۸۶، ص: ۴۳ و انبیاء: ۸۴.

۴. «عن محمد بن مسلم انّ ابا عبد الله عليه السلام قال: انّ رسول الله صلى الله عليه وآله قال: تزوجوا فانّي مكاثر بكم الأمم غداً في القيامة حتى أنّ السقط يجيء؛ ازدواج کنید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی شما بر امت های دیگر افتخار می کنم، حتی به فرزندان سقط شده» (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۹)؛ «أبي عبد الله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أكثروا الولد أكثر بكم الأمم غداً؛ فرزندان خود را زیاد کنید که فردای قیامت بر زیادی شما بر سایر امت ها افتخار می کنم» (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۹، ج ۶: ص ۲).

۵. «سمعتُ أبا الحسن عليه السلام يقولُ لا بُأسَ بِالْعَزْلِ لَآ بُأْسَ بِالْعَزْلِ فِي سَبْتِ وَجْهِ الْمَرْأَةِ الَّتِي أَبَيْتَتْ أَنَّهَا لَا تَلِدُ وَالْمُسَيِّئَةِ وَالْمَرْأَةَ السَّلِيْطَةَ وَ الْبَدِيَّةَ وَالْمَرْأَةَ الَّتِي لَا تُرَضِّعُ وَلَكِنَّا وَالْأُمَّةَ يَا وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَعْزَلَ الْمَاءَ عَنْ زَوْجَةٍ لَهُ حَرَّةٌ إِلَّا أَنْ تَوْضَى مِنْهُ بِذَلِكَ وَلَهُ أَنْ يَعْزَلَ عَنِ الْأُمَّةِ بِغَيْرِ رِضَاهَا وَ اخْتِيَارِهَا» (ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ص ۵۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۸: ص ۳۸۱).

اما موافقان روش‌های کنترل جمعیت، ضمن آنکه می‌گویند مسئله افزایش جمعیت و تأثیر آن بر اموری چون سطح معیشت، وضعیت اقتصادی، نیروی انسانی و محیط‌زیست یک کشور، از مسائل مستحدثه است و در قرآن، حکم به افزایش، کاهش یا کنترل جمعیت به صراحت بیان نشده، معتقدند هم موافقان و هم مخالفان چاره‌ای ندارند جز بررسی، تفسیر و تفحص در میان آیات و قراردادن آن‌ها در کنار سیره پیامبر و ائمه معصومین علیهم‌السلام.

لذا همان‌گونه که مخالفان، هرگونه دخالت فردی یا حاکمیتی را برای جلوگیری از افزایش جمعیت، مخالف با اصول اسلامی تلقی می‌کنند، موافقان نیز ضمن رد این ادعا، با استناد به برخی دیگر از آیات و روایات، این امر را با شروطی، لابد و ضروری می‌دانند.

درباره دلیل اول مبنی بر کنترل جمعیت به مثابه دخالت در امور الهی و بی‌اعتمادی به روزی‌رسانی خدا، آن‌ها این استنباط را باطل دانسته و در جواب می‌گویند، اینکه همه چیز در دست خداوند است، مغایرتی با جلوگیری از فرزندآوری بسیار ندارد. همان‌طور که جهان و قوانین آن، مخلوق خدا است، بشر و اعمال او نیز بیرون از دایره قضا و قدر الهی نیست.

در ضمن، به همان قیاس که هیچ‌کس ادعا نمی‌کند مقاوم‌سازی ساختمان‌ها برای رویارویی با ویرانگری زلزله یا احداث سد و ساختن سیل‌گیرها برای جلوگیری از آسیب‌های سیل، دخالت در امور الهی است، اعمال برخی از سیاست‌ها به منظور کنترل جمعیت و حفظ و بقای انسان نیز دخالت در امور الهی به حساب نمی‌آید (رهبری، ۱۳۸۱، ص ۴۶).

علاوه بر آن، آیات بسیاری، انسان‌ها را از اسراف و زیاده‌روی بر حذر داشته‌اند^۱ در این صورت، اگر آمیزش زیاد و به تبع آن، تولیدمثل مکرر را از مصادیق

۱. برای نمونه ر.ک: انعام: ۱۴۱، اعراف: ۳۱ و روایاتی چون: «قال علی علیه‌السلام: ما فَوْقَ الْكِنَافِ إِشْرَافٌ»؛ قال صادق علیه‌السلام: «ولا تطيعوا أمر المسرفين الذين يفسدون في الأرض ولا يصلحون». (ر.ک: نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۷۲).





زیاده‌روی و اسراف در نظر بگیریم، می‌توان دید که تا چه اندازه در آیات و روایات، انسان از این فعل منع شده است (همان، ص ۵۶-۵۷).

در برابر آن دسته از آیات و روایاتی که فرزندان را «باقیات الصالحات» دانسته‌اند، آیاتی هست که زیادی اموال و فرزندان را وسیلهٔ تقرب به خدا ندانسته و چه بسا از آن به‌عنوان بلا و وسیلهٔ آزمایش یاد کرده‌اند. در واقع، به نظر می‌رسد آنچه به‌عنوان پاداش در نظر گرفته شده، داشتن فرزند صالح (کم یا زیاد) است، نه لزوماً تعدد فرزندان.^۱

ضمن آنکه در روایات نیز پیامبر و ائمهٔ معصومین، افراد را از داشتن فرزند زیاد، به‌ویژه در شرایطی که تأمین معاش آن‌ها مشکلات جدی را برای والدین در پی دارد، برحذر داشته و آن را از عواملی معرفی کرده‌اند که باعث فقر، تنگدستی و بلا می‌شود (همان، ص ۴۹-۵۰).

میان فقهای شیعه نیز در این زمینه دو دستگی وجود دارد؛ عده‌ای مانند آیت‌الله حسینی تهرانی معتقدند هرگونه تحدید و مرزبندی با هدف کنترل جمعیت با روح اسلام و ایمان منافات داشته و هیچ دولتی حق دخالت در این امور را ندارد و دستهٔ دوم معتقدند اگرچه زیادشدن جمعیت امت اسلام فی‌نفسه امری ممدوح و وظیفهٔ حکومت اسلامی تبلیغ آن است، اما در شرایطی که حکم ثانوی (ضرورت‌ها یا مصالح اجتماعی) اولویت یافته باشد، غرض اصلی (تولیدمثل) در تزامم با حکم شرعی دیگر (حفظ جامعهٔ مسلمین و دفع خطر از آن) قرار می‌گیرد و در این شرایط، اهم (حفظ جامعه و امت اسلامی) ارجحیت می‌یابد.^۲

۱. برای نمونه ر.ک: سبأ: ۳۵ و ۳۷، تغابن: ۱۴-۱۵، توبه: ۵۵ و ۶۹، بقره: ۲۴۹ و روایاتی چون: «أمر المؤمنین بالطلاق لأنه قال: ثلاث من أعظم البلاء: كثرة العائلة، وغلبة الدين، ودوام المرض»؛ «رسول الله ﷺ قال: استعيذوا بالله من الفقر والعيلة»؛ «رسول الله ﷺ قال: قَوْلُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَوْلَادٌ مَجْهَلَةٌ وَحَتَّةٌ مَيَّحَلَةٌ»؛ رسول الله ﷺ: اللهم اعوذ بك من جهد البلاء قالوا: ما جهد البلاء يا رسول الله؟ قال قلة المال وكثرة العيال». (رهبری، ۱۳۸۱).

۲. مانند حضرات آیات موحدی، مکارم شیرازی، امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، ایازی، انصاری شیرازی، نوری همدانی و خرازی.

در این گروه اما بر سر اینکه چه کسی می‌تواند این ضرورت را تشخیص دهد، اختلاف است (نیک‌کار و امامی نمین، ۱۳۹۶، ص ۳۶۷-۳۶۸)، عده‌ای معتقدند این مسئله از وظایف سرپرست جامعه یعنی ولی (اعم از پیامبر ﷺ، ائمه معصومین علیهم‌السلام یا جانشین آن‌ها) است^۱ و گروه دیگر آن را از وظایف اهل خبره دانسته‌اند.^۲



۱. مانند حضرات آیات موحدی، امام خمینی رحمته‌الله، ایازی، نوری همدانی و خرازی.

۲. مانند حضرات آیات مکارم شیرازی و انصاری شیرازی.



نتیجه گیری

در پاسخ به این سؤال که آیا بحران‌های زیست‌محیطی، ما را از کمک به فقرا و گرسنگان معاف می‌کند یا نه، دریافتیم که اگرچه این بحران‌ها از واقعیت‌های انکارناپذیر عصر ما هستند، آن‌گونه که مخالفان کمک ادعا می‌کنند، اولاً مشخص نیست که جمعیت جهان در کشورهای فقیر و حتی در سطح جهانی با سرعتی که تاکنون رشد داشته است، افزایش یابد.^۱ همچنین حتی در صورت رشد هم اگر الگوی مصرف اصلاح شود و توزیع عادلانه‌ای در تولید غذا اتخاذ گردد، مشکلی برای زمین به وجود نخواهد آمد.

ثانیاً حتی اگر رشد جمعیت، آن‌طور که ادعا می‌شود، یکی از عوامل تخریب محیط‌زیست باشد، راه برون‌رفت از آن سیاست‌هایی چون تریاژ، حذف کمک‌های بین‌المللی و جلوگیری از مهاجرت افراد به کشورهای مرفه نیست، بلکه تحقیق بیشتر درباره موضوع کمک و تعریف راه‌هایی است که با آن‌ها بتوان ضمن کمک به نیازمندان، جمعیت منطقه را نیز (به شرط آسیب‌زا بودن) مهار کرد.

در نگاه اسلامی نیز کمک یک امر اخلاقی پسندیده و حتی در بعضی از حدود، واجب شرعی است. بنابراین نمی‌توان با هیچ توجیهی به‌طور کلی از آن چشم‌پوشی کرد؛ اما از آنجا که تحقیقاً رشد جمعیت (در درازمدت) تأثیرات مخربی بر محیط‌زیست خواهد گذاشت، وظیفه عقلایی و حتی اخلاقی آن است که از رشد افسارگسیخته جمعیت جلوگیری شود؛ چراکه نه تنها باعث تخریب زیست‌بوم می‌شود، بلکه با افزایش فقر و فساد موجب تضعیف و تحقیر مسلمین در برابر ملل دیگر می‌شود.

۱. بررسی‌ها نشان داده نرخ رشد سالانه در اواخر دهه ۱۹۶۰ به اوج خود یعنی حدود ۲ درصد رسید؛ اما از آن زمان تقریباً به نصف کاهش یافته و در سال‌های آینده نیز روند کاهشی خواهد داشت؛ بنابراین، می‌توان گفت جمعیت جهان در قرن بیست و یکم به رشد خود ادامه خواهد داد، اما با سرعت بسیار کمتری نسبت به گذشته. تخمین زده می‌شود نزدیک به چهل سال دیگر طول می‌کشد تا نرخ رشد سالانه فعلی به ۵۰ درصد افزایش یابد.

حال اگر بپذیریم کنترل جمعیت امری معقول برای پیشگیری از عواقب مخرب بعدی است، اینکه چه کسی یا چه کسانی می‌توانند برای کنترل جمعیت مجوز بدهند و وضعیت را مخرب ارزیابی کنند، موضوع اختلافات بعدی است. در نهایت، باید گفت مسئله کمک، ضعف‌ها و ابهامات زیادی دارد. این موضوع در تمام ساحات از تعریف و تعیین معیار گرفته تا طریقه کمک بحث‌برانگیز بوده و جای تأمل بیشتر دارد؛ اما قطعاً همه این‌ها دلیلی بر رهاکردن فعل کمک نیست. ما وظیفه داریم به نیازمندان و گرسنگان عالم، چه در کشور خودمان چه در کشورهای دیگر، فارغ از رنگ، نژاد و جنسیتشان، کمک کنیم و هیچ‌چیز نمی‌تواند ما را از این مهم، معاف کند؛ بلکه صرفاً می‌تواند ما را بر آن دارد تا بیشتر فکر کنیم و راه‌های بهتری بیابیم.



کتاب نامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی (۱۳۹۵)، الحیاة. ترجمه احمد آرام، تهران: دلیل ما.
۴. رهبری، حسن (۱۳۸۱)، «اسلام و سامان دهی جمعیت»، فقه، ش ۳۴-۳۳، ص ۹-۱۰۰.
۵. شیخ مفید (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمته الله.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول کافی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۸-۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶ق)، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط- القديمة)، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۹. محمدی ری شهری، محمد و حمیدرضا شیخی (۱۳۸۹)، میزان الحکمة (با ترجمه فارسی)، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، مثال های زیبای قرآن، قم: نسل جوان.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، کتاب النکاح، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۲. میرهاشمی، زهرا سادات و طاهره جلیلی کله‌ری (۱۳۹۶)، «تیین و بررسی دیدگاه های مستنبط از آیات و روایات در مورد سیاست راهبردی تکثیر موالید و افزایش جمعیت در اسلام»، پژوهش های فقهی، دوره ۱۵، ش ۲، ص ۳۶۳-۳۸۲.
۱۳. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.





۱۴. نیک‌کار، جمال و محمود امامی نمین (۱۳۹۸)، «بررسی احکام کنترل موالید و پیشگیری از بارداری با رویکردی بر ضرورت افزایش و بحران پیری جمعیت»، *مطالعات زن و خانواده*، ۵ (۲)، ص ۱۵۳-۱۹۲.

15. "About Garrett Hardin". see: <https://www.splcenter.org/fighting-hate/extremist-files/individual/garrett-hardin>

16. Balls, Andrew (11, November 1999). *Based on some measures of corruption - the more corrupt the government is, the more aid it actually receives*. See: <https://www.nber.org/digest/nov99/corrupt-governments-receive-no-less-foreign-aid>

17. Cherlinka, Vasyl (Posted on: 23.09.2022). "Soil Erosion Causes, Types, Ways To Reduce And Prevent". See: <https://eos.com/blog/soil-erosion/>

18. Hamel, Kristofer; Tong, Baldwin; Hofer, Martin. *Poverty in Africa is now falling—but not fast enough*. (Thursday, March 28, 2019). See: <https://www.worldbank.org/en/topic/poverty/overview>

19. Hardin, Garrett (1968). "The Tragedy of the Commons". *Science, New Series*, Vol. 162, No. 3859, pp. 1243-1248, Published by: American Association for the Advancement of Science. <http://www.jstor.org/stable/1724745>

20. Hardin, Garrett (1997). "Garrett Hardin society Interview with The Social Contract". Posted on 9 June 2003, https://www.garretthardinsociety.org/gh/gh_straub_interview.html

21. Hardin, Garrett. (1974). *Lifeboat Ethics: the Case Against Helping the Poor*. (*Psychology Today*, September 1974). <http://www>.

garrethardinsociety.org/articles/art_lifeboat_ethics_case_against_helping_poor. Html

22. Poorest Countries in the World 2023. [https:// worldpopulation review.com /country-rankings/poorest-countries-in-the-world](https://worldpopulationreview.com/country-rankings/poorest-countries-in-the-world)

23. Poverty. World Bank. Last Updated: Nov 30, 2022. [https:// www. worldbank.org/en/topic/poverty/overview](https://www.worldbank.org/en/topic/poverty/overview)

24. Singer, Peter (2011). *Practical Ethics*. 3rd ed. New York: Cambridge University Press.

25. World population review, Muslim Population by Country 2023, <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/muslim-population-by-country>

26. World population review, Poorest Countries in the World 2023. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/poorest-countries-in-the-world>

27. worldometers : <https://www.worldometers.info/world-population/>

پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي
پښتونستان ښوونځي



References

1. *The Holy Quran*.
2. *Nahj al-balaghah*.
3. "About Garrett Hardin". see: <https://www.splcenter.org/fighting-hate/extremist-files/individual/garrett-hardin>
4. Balls, Andrew (11, November 1999). *Based on some measures of corruption - the more corrupt the government is, the more aid it actually receives*. See: <https://www.nber.org/digest/nov99/corrupt-governments-receive-no-less-foreign-aid>
5. Cherlinka, Vasyl (Posted on: 23.09.2022). "Soil Erosion Causes, Types, Ways To Reduce And Prevent". See: <https://eos.com/blog/soil-erosion/>
6. Hakimi, Mohammad Reza, Mohammad Hakimi and Ali Hakimi (2015). *al-Hayat*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Our reason.
7. Hamel, Kristofer; Tong, Baldwin; Hofer, Martin. Poverty in Africa is now falling—but not fast enough. (Thursday, March 28, 2019). See: <https://www.worldbank.org/en/topic/poverty/overview>
8. Hardin, Garrett (1968). "The Tragedy of the Commons". *Science, New Series*, Vol. 162, No. 3859, pp. 1243-1248, Published by: American Association for the Advancement of Science. <http://www.jstor.org/stable/1724745>
9. Hardin, Garrett (1997). "Garrett Hardin society Interview with The Social Contract". Posted on 9 June 2003, https://www.garretthardinsociety.org/gh/gh_straub_interview.html
10. Hardin, Garrett. (1974). *Lifeboat Ethics: the Case Against Helping the Poor*. (Psychology Today, September 1974). http://www.garretthardinsociety.org/articles/art_lifeboat_ethics_case_against_helping_poor. Html
11. Koleini, Mohammad Bin Yaqub (1990). *Usul Kafī*. Beirut: Dar al-Taarof Lel-Matbuat.
12. Majlesi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi (1403-1368 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ehiya al-Torath al-Arabi.
13. Majlisi, Mohammad Taghi (1406 AH). *Rawda al-Mutaqeen fi Sharh Man La Yahdrah al-Faqih*. Qom: Kushanbur Islamic Cultural Institute.
14. Makarem Shirazi, Nasser (1999). *Beautiful Examples of the Qur'an*. Qom: Nasl Jawan.
15. Makarem Shirazi, Nasser (2008). *Kitab al-Nikah*. Qom: Publications of Imam Ali bin Abi Talib (AS).
16. Mirhashemi, Zahrasadat and Tahereh Jalili Kalhori (2019). "Explaining and examining the views inferred from verses and traditions about the strategic policy of increasing births and increasing population in Islam". *Jurisprudential Research*. 15 (2): 363-382.
17. Mohammadi Reishahri, Mohammad and Hamidreza Sheikhi (2010). *Mizan al-Hikma* (with Persian translation). Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization.
18. Nikkar, Jamal and Mahmoud Emami Namin (2019). "Study on birth control laws and pregnancy prevention with an approach to the necessity of population aging and crisis". *Women and Family Studies*. 5 (2): 192-153.
19. Nouri, Hossein bin Mohammad Taqi (1408 AH). *Mustadrak al-Wasail*. Beirut: Al al-Bayt Foundation for Revival of Heritage.
20. Poorest Countries in the World 2023. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/poorest-countries-in-the-world>
21. Poverty. World Bank. Last Updated: Nov 30, 2022. <https://www.worldbank.org/en/topic/poverty/overview>
22. Rahbari, Hassan (2002). "Islam and the organization of the population". *Fiqh*. 33-34: 100-9.
23. Sheikh Mufid (1413 AH). *al-Moqna'a*. Qom: World Hazara Congress of Sheikh Mufid.

24. Singer, Peter (2011). *Practical Ethics*. 3rd ed. New York: Cambridge University Press.
25. World population review, Muslim Population by Country 2023, <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/muslim-population-by-country>
26. World population review, Poorest Countries in the World 2023. <https://worldpopulationreview.com/country-rankings/poorest-countries-in-the-world>
27. worldometers : <https://www.worldometers.info/world-population/>

